

نزهة الأنفس و روضة المجلس (نسخه‌ای نادر و قدیمی از امثال کهن عربی)

دکتر رمضان بهداد*

چکیده

نزهة الأنفس و روضة المجلس کتابی است در امثال عربی تألیف محمد بن علی بن عبدالله از علمای سده ششم هجری (در گذشته ۵۶۱ ه. ق.). او این کتاب را درباره شماری از امثال عربی نوشته که در زبان مردم عامی عرب تا روزگار حیات مؤلف، دچار تحریف لفظی یا معنوی شده بوده است. مؤلف، نخست ضبط صحیح و معنای درست امثال و مواقع استعمال آنها را ذکر کرده، سپس به خطای عامه مردم درباره امثال اشاره نموده است. نسخه کامل و منحصر به فرد نزهة الأنفس و روضة المجلس به شماره ۱۲۶۷۸ در کتابخانه وزیری یزد محفوظ است که در سال ۵۹۰ ه. ق. کتابت شده است.

کلید واژه: امثال عربی، محمد بن علی بن عبدالله، نزهة الأنفس و روضة المجلس، کتابخانه وزیری یزد.

زبان عربی فصیح چنانکه می‌دانیم، از اواخر عصر اموی، در پی درآمیختن عربها با

*. عضو هیئت علمی دانشگاه یزد.

نژادهای غیر عرب، روی به فاسد شدن نهاد، و این فساد در آن روز افزون گردید، تا آنکه در دوره عباسی تبدیل به لهجه‌هایی گوناگون و فاقد ارزش ادبی شد که آن را «لحن» نامیدند. این فساد یا در اعراب الفاظ بوده است یا در شکل واژه‌ها و یا در معانی آنها، و این بسیاری از دانشمندان عربیت را بر آن داشت تا تألیفاتی پدید آورند و مواضع اشتباه و فساد زبان عامّه را در آن تألیفات گوشزد نمایند تا ادیبان و شاعران در آثار و اشعار خود از این گونه اشتباهات بپرهیزند. از جمله این مؤلفان کسانی چون: ابوحنیفه دینوری، ابوהלلال عسکری، هاشم بن احمد حلبی، ابن بانی محمد بن علی سبتی و ابوبکر محمد بن حسن زبیدی اشبیلی بوده‌اند^۱ که هر کدام از آنان کتابی در لحن عامّه یا خاصّه نوشته‌اند، و دیگر از اینگونه مؤلفان حریری بصری صاحب کتاب مقامات بوده است که کتاب درّه الغواص فی أوهام الخواص را در همین زمینه تألیف نمود که صاحب کشف الظنون آن را متمّم و ذیلی برای کتاب درّه الغواص حریری دانسته است.^۲

یکی دیگر از این گونه مؤلفان که تاکنون تقریباً ناشناخته مانده، محمد بن علی بن عبدالله بن احمد بن ابی جابر احمد بن ابی الهیجاء بن حمدان عراقی حلّی، مکتبی به ابوسعید و متوقّی به سال ۵۶۱ ه.ق. بوده است. او کتابی در خصوص شماری از امثال عربی نوشته است که عامّه مردم آنها را غلط به کار می‌برده‌اند، و کتاب خود را به نام نزهة الأنفس و روضة المجلس نامیده است، و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد کسی جز او کتابی در این زمینه ننوشته است، و بنابراین کتاب نزهة الأنفس تألیفی است یگانه در موضوع خود که جای آن در مجموعه آثار انتشار یافته ادبیات عرب و در زمینه کتب امثال عربی خالی است.

محمد بن علی عراقی در سده ششم هجری می‌زیسته است، زمانی که ترکان سلجوقی بر شرق و غرب ممالک عباسی غلبه یافته بوده‌اند و خلافت عباسی روی به ضعف نهاده بود.

جلال الدین سیوطی در کتاب خود به نام بغیة الوعاة^۳ سلسله نسب و شرح حال محمد بن علی را آورده و از قول ابن مستوفی در کتاب تاریخ اربیل نقل می‌کند که او فقیه و نحوی بوده و تألیفاتی دارد و کتاب مقامات حریری را با استفاده از توضیحات شفاهی مؤلف آن که استاد او بوده شرح کرده است، و از جمله تألیفات او کتابهای الذخیره لأهل البصيرة و البیان لشرح الکلمات و المنتظم فی سلوک الادوات و کتاب مسائل الامتحان (حاوی مسائل مشکل نحوی) را نام می‌برد و آثاری در موعظه و رسائلی را هم از او ذکر می‌کند،

و می افزاید که محمد بن علی در اربیل اقامت داشته و به بلاد عجم مسافرت کرده و در خفتیان^۴ درگذشته و از آنجا جسد او به بوازج^۵ انتقال داده شده و در آنجا مدفون گردیده است. سیوطی از قول صلاح الدین صفدی نیز اضافه می‌کند که ابن نجار گفته است که او در کودکی به بغداد آمد و نزد غزالی و کیاالهراسی^۶ فقه آموخت و نیز مقامات حریری را نزد مؤلف آن خواند و در فنّ مناظره مهارت داشت و کتابهای عیون الشعر و الفرق بین الرّاء والغین از تألیفات اوست و در سال ۵۶۱ ه. ق. وفات یافته است، سپس ابیاتی را ذکر می‌کند که سروده محمد بن علی بوده است.

آنچه در کتاب بغیة الوعاة آمده مطالبی پراکنده است که تصویر روشنی از جزئیات زندگی محمد بن علی عراقی عرضه نمی‌کند، جز اینکه نسب او به ابوالهیجاء مؤسس سلسله حمدانیان می‌رسیده است. اعقاب ابوالهیجاء یعنی حمدانیان در حدود ۶۰ سال در منطقه سوریه کنونی و بخشی از پیرامون آن حکومت داشته‌اند^۷، پایتخت آنان شهر حلب بوده و مشهورترین امیر آنان سیف الدوله حمدانی است که منتبّی شاعر معروف در بسیاری از قصاید خویش او را می‌ستاید، و دیگر اینکه در کودکی در بغداد به تحصیل علم پرداخته و در فقه و نحو به استادی رسیده و مسافرتی هم به دیار عجم (ایران) داشته و سرانجام در خفتیان به سال ۵۶۱ ه. ق. درگذشته است.

علاوه بر آنچه که در کتاب بغیة الوعاة آمده است، از برخی مطالب خود مؤلف که در کتاب نزهة الانفس ذکر می‌کند فهمیده می‌شود که پدرش مکتبی به ابوالحسن نیز از دانشمندان بوده و با سیف الدوله صدقه (حاکم شهر حله بین سالهای ۵۲۹ - ۵۳۲ ه. ق) ارتباط داشته است^۸، چنانکه خود محمد بن علی نیز با امیر مذکور مربوط بوده است^۹، و دیگر اینکه او در علوم قرآنی و تفسیر و اصول فقه و علم لغت نیز میرز بوده و از نام برخی تألیفاتش که آنها را در کتاب نزهة الانفس ذکر می‌کند، استادی او در علوم قرآنی و تفسیر و علم لغت دانسته می‌شود، آشنایی او با اصول فقه هم آنجا که در مقدمه کتاب از شاگردانش یاد می‌کند که برای فراگیری علوم مختلف از جمله اصول فقه به نزد او آمد و رفت می‌کرده‌اند فهمیده می‌شود. او مانند عموم دانشمندان زمان خود عارف و صوفی مسلک نیز بوده و دو تألیف او یکی به نام ذکرالنفوس و ریاضتها^{۱۰} و روضة العشاق و نزهة المشتاق^{۱۱} چه بسا که بر این امر دلالت داشته باشند. مؤلف همچنین شاعر هم بوده چنانکه ابیاتی از او را سیوطی در بغیة الوعاة ذکر کرده است.

تاریخ تولّد محمد بن علی عراقی در کتاب بغیة الوعاة نیامده و تنها تاریخ وفات او

ذکر شده، ولی از آنجا که صلاح‌الدین صفدی چنانکه در بغیة الوعاة آمده است از ابن نجار نقل می‌کند که محمد بن علی در هنگام کودکی به بغداد آمد و خود مؤلف در کتاب نزهة الانفس می‌گوید: «أنشدنا شیخی الفصیحی فی سنة احدى و تسعين واربعمائة بالحلة...»^{۱۲} و اگر فرض کنیم که هنگام ورودش به بغداد لااقل ده ساله بوده و به محض ورود به بغداد نمی‌توانسته است در مجلس درس فصیحی حاضر شود، نتیجه می‌گیریم که محمد بن علی بیش از هشتاد سال عمر کرده و از معمرین به شمار می‌رفته است.

شماری از تألیفات محمد بن علی که آنها را در کتاب نزهة الانفس ذکر کرده عبارت است از: ایضاح الناسخ والمنسوخ فی القرآن، بغیة الطالب فی علم الناسخ والمنسوخ فی القرآن، البلیغ فی الأشباه والنظائر فی القرآن، البیان و سبب نزول آی القرآن، منیة الراغب فی علم الناسخ والمنسوخ، الواضح فی معرفة اسباب نزول آی القرآن والمنیخ فی شرح الفصیح.

این تألیفات چنانکه ملاحظه می‌شود همه در علوم قرآنی است جز کتاب المنیخ که کتابی در موضوع لغت و در شرح کتاب الفصیح تألیف ابوالعباس ثعلب است که کتابی مشهور است و برای آن شروح متعددی نوشته شده است. اما این آثار مؤلف ظاهراً از میان رفته است.

کارل بروکلمان چهار تألیف دیگر از آثار مؤلف را نام می‌برد که به صورت نسخه خطی باقی مانده است^{۱۳} و از آنها یکی همین کتاب نزهة الأئفس و روضة المجلس است و دیگر کتابهای روضة العشاق و نزهة المشتاق، و ذکر النفوس و ریاضتها حتی تصیر نفساً واحدة، اما از این دو کتاب اخیر در نزهة الانفس و بغیة الوعاة نامی برده نشده است و دیگری کتاب الذخيرة لأهل البصيرة است که در بغیة الوعاة از آن یاد شده است. از کتاب نزهة الانفس در جلد دوم کشف الظنون، ص ۱۹۴۱ نیز نامبرده شده است و از آن تاکنون دو نسخه خطی شناخته شده است، یکی چنانکه بروکلمان می‌گوید^{۱۴} در شهر گوئا (Gotha) در آلمان نگهداری می‌شده است و شماره آن ۱۲۵۰ بوده است. و دیگری در کتابخانه وزیری یزد به شماره عمومی ۱۲۶۷۸، و همین نسخه است که نگارنده به تصحیح آن پرداخت، نسخه وزیری دارای ۱۹۳ برگ و هر صفحه آن در ابعاد ۱۸×۱۲ سانتیمتر و شامل ۲۱ سطر است.

به نظر می‌رسد که کاتب این نسخه آشنایی کافی به زبان عربی نداشته است و الفاظ را آن طور که چشمش در نسخه مورد استنساخ خود می‌دید روی کاغذ نقاشی می‌کرده است و از این رو نوشته‌های او پر است از اشتباهات کتابتی و اعرابی و نیز الفاظی که

قابل خواندن نیست؛ به طوری که اینجانب در طول قریب پنج سال در جریان تصحیح کتاب مکرر و بی وقفه به کتابهای امثال و فرهنگهای لغت و منابع دیگر مراجعه کرده‌ام. کاتب نام خود را در پایان نسخه ذکر نکرده است و تنها تاریخ کتابت آن مشخص، و عبارت است از: غروب دوشنبه اوایل صفر سال ۵۹۰ ه. ق، یعنی تنها ۲۹ سال بعد از وفات مؤلف و از این رو این نسخه یک نسخه خطی نفیس به شمار می‌رود و سزاوار نبوده است که دارای این همه غلط و اشتباه کتابتی باشد. نوع خط آن ویژگیهای قابل ذکری ندارد، جز اینکه الف‌های مقصور در پایان بعضی اسمها که امروزه به صورت الف نوشته می‌شود در این نسخه به صورت یاء نوشته شده است، مانند «کذی» به جای «کذا» و «جحی» به جای «جحا»، و در بعضی اسماء اعلام هم گاهی الف از وسط کلمات حذف شده است، مانند «عثمن» به جای «عثمان» و «معویه» به جای «معاویه»، و در بعضی موارد هم که کم نیست فعلها با فاعل جمع مذکر عاقل مطابق آورده شده است، مانند: «أقاموا أصحابه» به جای «أقام أصحابه»، در شرح مثل: «الشجاع موقی» و معلوم نیست که از مؤلف است یا کاتب این نسخه یا نسخه برداران پیش از او.

استادان و آشنایان مؤلف که با آنان در تماس بوده است و از آنان در کتاب نزهة الانفس نام برده است بعضی از معاریف ادب عربی بشمارند، مانند ابوزکریاء یحیی بن علی تبریزی و حریری بصری صاحب مقامات و ابیوردی شاعر و دیگران تقریباً ناشناخته‌اند و نگارنده با همه جستجویی که انجام داد نتوانست شرح حال آنان را در کتب تراجم بزرگان عصر مؤلف بیابد، جز سه تن از آنان یعنی فصیحی که شرح حالش دروفیات الاعیان، (ج ۳، ص ۳۳۷) آمده است و ابوالعزّ قلانسی مقری که در کتاب شذرات الذهب، (ج ۴، ص ۶۴) شرح حال او وجود دارد و ابوالقاسم زنجانی که شرح حالش در کتاب تذکرة الحفاظ، (ج ۳، ص ۱۱۷۴ به بعد) ذکر شده است، و علت اصلی ناشناخته بودن دیگران این است که مؤلف اسمهای آنان را به طور کامل ذکر نکرده و بلکه تنها به ذکر کنیه یا لقب آنان اکتفا نموده است، آنها عبارتند از: ابوالحسن دسکری، ابوعلی دسکری، ابوالحسین بن احمد کوفی فیلسوف، ابوطالب عبدالقادر بن الشیخ الاجل؟، ابوطیب زکریاء تبریزی، ابوالعزّ محمد بن نیلی، ابوالغنائم بن مختار کوفی، ابیوردی مقری، احمد بن عباس بن مفضل هاشمی نسابه و پسرش محمد بن احمد، محسن بن مفضل هاشمی نسابه کوفی کرخی و مقدسی.

محمد بن علی در مقدمه نزهة الانفس کتاب خود را به یکی از بزرگان عصر خود به

نام امین‌الدین ابوالقاسم (یا ابوالقاسم) نصر بن حسن بن صفار تقدیم کرده است، و بعد از ذکر نام مجلس او را به مجلس امینی غرسی توصیف می‌کند و صفت غرسی می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه نامبرده به غرس‌الدین یا غرس‌الدوله نیز ملقب بوده است، ولی نگارنده هر چه در کتب تراجم تحقیق نمود، به چنین نامی برخورد نکرد. اما آنچه که در آغاز و درواقع محمد بن علی را بر تألیف این کتاب واداشته است، چنانکه خودش در آغاز مقدمه کتاب می‌گوید، این بوده است که او روزی در جلسه محاکمه دو نفر در جمع نزدیکی از قضاة عصر خود حضور می‌یابد، طرفین دعوی هر کدام در ادعای خود زیاد سرسختی نشان می‌داده و لجاجت می‌ورزیده‌اند و بدین مناسبت یکی از حاضران مثلی را به صورت غلط بر زبان آورده می‌گوید: «هما اقسى من الضربان»، در حالی که شکل صحیح مثل «افسى (به فاء) من الظربان (به ظاء)» بوده و مناسبتی با مقام نداشته است، مؤلف بر او اعتراض می‌کند، ولی آن شخص نه تنها تسلیم نظر مؤلف نمی‌شود، بلکه زبان به هتاک می‌گشاید و این واقعه سرانجام سبب می‌شود که محمد بن علی عراقی کتاب نزهة الانفس را در زمینه امثالی که عوام آنها را تحریف کرده‌اند بنویسد و پس از تألیف و انجام کار بوده است که آن را به ابوالقاسم نصر بن حسن بن صفار تقدیم داشته است.

مؤلف در مقدمه کتاب همچنین وعده داده است که در مورد هر مثل نخست شکل درست آن را ذکر و سپس آن را شرح خواهد کرد و ثانیاً جایگاه صحیح کاربرد آن را تعیین خواهد نمود و ثالثاً خطای عامه را در شکل یا معنی یا کاربرد آن بیان خواهد داشت، ولی او در همه موارد بدین وعده‌ها عمل نکرده و مواردی را که در آنها چنین کرده است زیاد نیست و از جمله در مثل: «امعة لا معول علیه» می‌گوید: عامه معمعی می‌گویند و این از موارد خطای عامه در شکل و لفظ مثل بوده است، و در شرح مثل: «أشدّ ضبطاً من عائشة» می‌گوید: عامه واژه ضبط را در این مثل به معنی بخل می‌گیرند و اشتباه است و این خطا در معنی مراد از مثل مزبور بوده است، و در مثل: «هو ابوالبدوات» می‌گوید: بدوات به معنی اندیشه‌هایی است که برای کسی پدید می‌آید و مفرد آن بداة است و این را در مدح به کار می‌برده‌اند، ولی (امروزه) عوام از آن در مذمت استفاده می‌کنند و برای کسی می‌گویند که در عقیده و قولی پایدار نیست، و این اشتباه هم در جایگاه به کارگیری این مثل بوده است.

کتاب نزهة الانفس منحصر به امثال تحریف شده نیست، بلکه در آن شماری از واژه‌های مشکل زبان عربی هم شرح شده است که از این لحاظ به یک فرهنگ لغت

شبيه است و چه بسا که تمام یا بسیاری از این واژه‌ها را نیز عامّه اشتباه به کار می‌برده یا معانی نادرستی از آنها اراده می‌کرده‌اند.

در ذکر امثال و واژه‌ها و شرح آنها در این کتاب از کتاب الفاخر در امثال تألیف مفضل بن سلمه زیاد استفاده شده است، و حتی گاهی عبارتهایی را که مؤلف به کار می‌برد، عیناً همان‌هاست که در کتاب الفاخر آمده است.

کتاب نزهة الانفس دارای ۲۹ باب است به تعداد حروف الفبا به اضافه باب لام الف و هر باب مثلاً اینگونه آغاز می‌شود: الباب الاول فی ما جاء من کلام العرب أوّله حرف الألف و استعملته العوام و لم یعرفوا «معناه»، با اختلافات اندکی در الفاظ و عبارتهای آغازین هر باب، و قبل از ذکر هر مثل می‌گوید: «و من ذاك قولهم: اقرّ الله عينه».

در آغاز باب اول مؤلف می‌گوید: من امثال را در این کتاب بر طبق حروف الفبا تنظیم نمودم، ولی حرف اول نخستین واژه هر مثل را ملاک قرار دادم بدون توجه به اصلی یا زائد بودن آن حرف، و از این رو نامبرده همه امثالی را که با الف و لام تعریف آغاز می‌شود در باب اول یعنی حرف الف آورده و نتیجه این شده است که باب اول بزرگ شود و ۷۴ برگ از برگهای کتاب را به خود اختصاص دهد، در حالی که تمام کتاب ۱۹۳ برگ است، و به علاوه تنظیم امثال بر طبق حروف الفبا هم در نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد دقیق نیست و در آن مثلاً باب اول با مثل: «اقرّ الله عينه» آغاز شده است و حق آن می‌بود که با مثل «آبل من حنیف» آغاز شود و مثل «اقرّ الله عينه» بعد از مثل «اقتلونى و مالکاً» قرار داشته باشد.

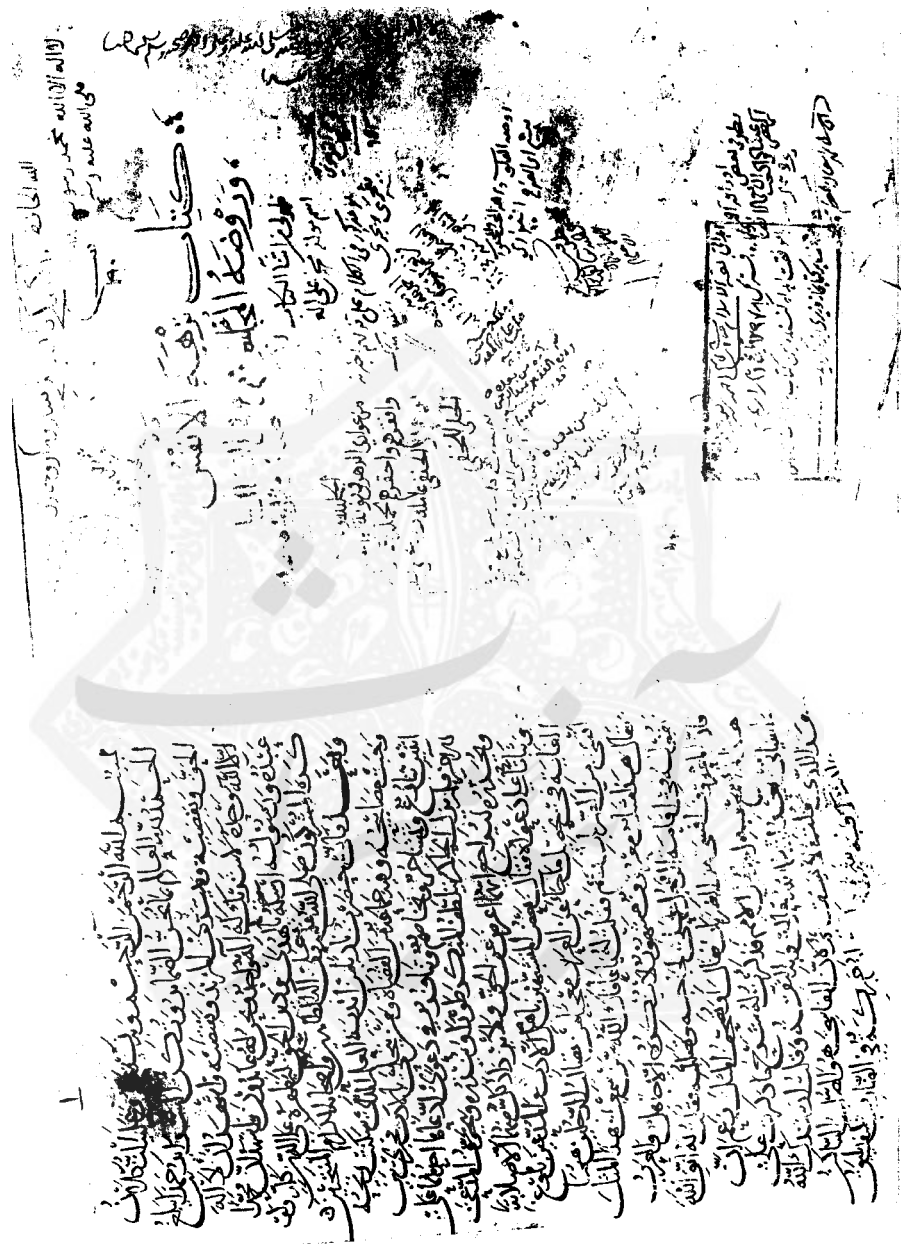
پی‌نوشتها

۱. تنوخی، عزالدین، مقدّمه کتاب تکملة جوالیقی، ص ۳.
۲. همان، صص ۳-۴.
۳. ج ۱، ص ۱۸۲.
۴. قلعه‌ای در اربیل، معجم البلدان، ج ۲، صص ۳۷۹-۳۸۰.
۵. شهری نزدیک تکریت، لغتنامه، ج ۳، ص ۴۳۸۶.
۶. ابوالحسن عمادالدین کیاالهراسی، در نظامیه تحصیل علم کرد، او رئیس شافعیان در بغداد بود. (شذرات الذهب، ج ۴، ص ۸).
۷. لغتنامه، ج ۶، ص ۸۰۷۸.
۸. نسخه خطی کتابخانه وزیری، برگ ۷۲.

۹. همان، برگ ۶۰.
۱۰. بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ج ۵ ص ۱۶۶.
۱۱. همان.
۱۲. نزّهة الانفس، نسخه خطی، ص ۱۴.
۱۳. تاریخ الادب العربی، ج ۵، ص ۱۶۶.
۱۴. همان.

منابع

۱. ابن خلّکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق دکتر احسان عباس، دارصادر، بیروت، ۱۹۶۸ م.
۲. ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح عبدالحی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، مکتب تجاری طبع و نشر و توزیع، بیروت، لبنان.
۳. ابو منصور جوالیقی، تکملة اصلاح ما تغلط فيه العوام، تحقیق عزّ الدین تنوخی، ضمیمه کتاب المعرب من الکلام الاعجمی از همان مؤلف، چاپ لایبزیگ، ۱۸۶۸ م تجدید چاپ با افسست در تهران، ۱۹۶۶ م.
۴. بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، تجدید چاپ در ایران، قم، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، بی تا.
۵. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، استانبول، چاپخانه وكالة المعارف، ۱۹۴۳ م.
۶. دهخدا، علی اکبر لغت نامه، مؤسسه لغت نامه وابسته به دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. سیوطی، جلال الدین، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپخانه عیسی البابیّ الحلبیّ، ۱۹۶۴ م.
۸. شمس الدین ذهبی، تذکرة الحفاظ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۷ هـ.
۹. عراقی، محمد بن علی، نزّهة الانفس و روضة المجلس، نسخه خطی کتابخانه وزیر یزد، شماره عمومی ۱۲۶۷۸.
۱۰. یاقوت حموی، معجم البلدان، دارالفکر - دار صادر، بیروت، بی تا.



تصویر صفحه اول نسخه کتابخانه وزیرى

15
 16
 17
 18
 19
 20
 21
 22
 23
 24
 25
 26
 27
 28
 29
 30
 31
 32
 33
 34
 35
 36
 37
 38
 39
 40
 41
 42
 43
 44
 45
 46
 47
 48
 49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100